

برآورد سهم نسبی عوامل مدیریتی بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای باشگاه‌های ورزشی استان اصفهان

محبوبه خداپرست^{۱*} - محمد سلطان حسینی^۲ - مهدی سلیمی^۳

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. ۲. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. ۳. استادیار مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۲، تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۰۵/۱۹)

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، برآورد سهم نسبی عوامل مدیریتی بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای در باشگاه‌های ورزشی استان اصفهان بود. با توجه به اینکه جامعه آماری را افراد حرفه‌ای و مدیران، شامل ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای، مدیران عامل و معاونان باشگاه‌های ورزش حرفه‌ای، و استادان مدیریت ورزشی و اقتصاد تشکیل می‌دادند و دسترسی به آنها مشکل بود، نمونه آماری به صورت تمام‌شمار و در دسترس انجام گرفت و شامل ۱۱۹ نفر شد. ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود، که روایی صوری و محتوایی آن توسط استادان متخصص، و روایی سازه آن با روش تحلیل عاملی تأییدی تأیید شد، و آلفای کرونباخ ۰/۹۱ پایایی مطلوب آن را نشان داد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام، تک‌نمونه‌ای و فریدمن استفاده شد. نتایج نشان داد هر دو مؤلفه تحقیق (عوامل مدیریتی در ورزش و عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی) قادر به پیش‌بینی معنادار فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای بودند، و عوامل مدیریتی در ورزش مؤلفه پیش‌بین قوی‌تری نسبت به عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی بود. در میان عوامل مدیریتی در ورزش، عدم پرداخت به موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران و مربیان، و در میان عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی، ناتوانی در برقراری عدالت مالیاتی، مهم‌ترین عوامل فرار مالیاتی معرفی شدند. در مجموع با توجه به یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که برخی از مؤلفه‌های مدیریتی در بخش ورزش حرفه‌ای و سازمان امور مالیاتی می‌توانند بازبینی شوند و بدین ترتیب سبب بهبود وضع مالیات در بخش ورزش و توسعه امکانات و تسهیلات ورزشی در کشور شوند.

واژه‌های کلیدی

عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی، عوامل مدیریتی در ورزش، فرار مالیاتی، ورزشکاران، مربیان حرفه‌ای.

مقدمه

امروزه دولت‌ها در قبال مردم برای برآورده ساختن بسیاری از نیازها و خواسته‌های آنان همچون ایجاد اشتغال، ایجاد امنیت داخلی و ملی، تثبیت قیمت‌ها، ثبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و غیره پاسخگو هستند (۱)، و از طرفی برای دستیابی به این اهداف نیازمند منابع مالی خواهند بود، که یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین این منابع مالی، دریافت مالیات است (۲).

پژوهشگران مالیات را برداشت قسمتی از درآمد یا دارایی فرد برحسب توانایی وی، برای تأمین مخارج عمومی وصف کرده (۳) و از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی در رتبه‌بندی کشورها یاد می‌کنند، اما با توجه به اهمیت این موضوع، برخی کشورها از جمله کشور ما در این زمینه ناموفق عمل کرده‌اند، که عوامل زیادی از جمله فرار مالیاتی بر آن تأثیرگذار بوده است (۱).

فرار مالیاتی در یک عبارت ساده هر نوع اقدام غیرقانونی برای عدم پرداخت صحیح مالیات مانند حساب‌سازی، عدم ارائه دفاتر، انجام فعالیت‌های اقتصادی بدون رسم و نشان و غیره است (۴)، که موجب کاهش درآمد مالیاتی و اختلال در بودجه‌بندی دولت‌ها می‌شود و مانعی در دستیابی به اهداف آنها ایجاد می‌کند، و در نهایت مدیریت برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دیگر برنامه‌های کشور را با مشکل تأمین مالی و در نهایت کاهش رفاه عمومی روبه‌رو می‌سازد (۵).

در سال‌های اخیر بحث فرار مالیاتی در کشور ما بسیار مورد توجه قرار گرفته و آمارها نشان از افزایش میزان بدهی‌های کلان مالیاتی دارد (۶). در این میان فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه در جوامع مختلف از جمله کشور ما توجه و سرمایه‌گذاری در ورزش، سبب توسعه و درآمدزایی در این

زمینه شده و پیشرفت و درآمدزایی ورزش در برخی رشته‌ها موجب درآمد کلان برخی ورزشکاران و مربیان شده است، که اگر مالیات این درآمدها براساس قوانین و به‌صورت دقیق پرداخت شود، می‌تواند در توسعه و پیشرفت ورزش کشور نقش مهمی داشته باشد، اما در حال حاضر بخشی از ورزشکاران و مربیان به‌خصوص در فوتبال به‌هنگام نقل و انتقالات، درآمد واقعی خود را اعلام نمی‌کنند و معمولاً یک‌سری قراردادهای داخلی بین آنها و باشگاه‌ها بسته می‌شود که قیمت دقیق آنها بوده و پولی که این ورزشکاران و مربیان دریافت می‌کنند، براساس همین قراردادهای داخلی است، اما وقتی کار به ثبت قانونی قراردادها در هیأت‌ها و فدراسیون‌ها می‌رسد، باشگاه‌ها، بازیکنان و مربیان برای اینکه مالیات کمتری بپردازند، تا امکان رقم ثبت‌شده را پایین می‌آورند و به این شکل از پرداخت مالیات حقه خود شانه خالی می‌کنند؛ این در حالی است که در دنیا برای نقل و انتقالات ورزشکاران و مربیان، آژانس‌های قانونی تأسیس شده و همان‌طور که در دفتر ثبت اسناد، یک ملک با قیمت اصلی خود ثبت و در همان جا، مالیات آن پرداخت می‌شود، در این آژانس‌ها نیز، دیگر چیزی به نام قرارداد داخلی وجود ندارد و بازیکنان و مربیان، پس از به توافق رسیدن، قرارداد رسمی امضا می‌کنند و میزان مالیات مشخص برایشان را می‌پردازند (۷).

فرار مالیاتی در مشاغل مختلف از جمله در ورزش تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند عوامل فرهنگی، قانونی، اقتصادی، قضایی و مدیریتی قرار می‌گیرد، که در این میان عوامل مدیریتی اهمیت ویژه‌ای دارند (۳)، چراکه دریافت قانونی و دقیق مالیات از ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای می‌تواند تا حد زیادی تحت تأثیر عملکرد مدیریتی باشگاه‌های ورزشی و همچنین سازمان امور

مالیاتی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در تشخیص، دریافت و واریز مالیات به خزانه کشور، باشد (۷).

سازمان امور مالیاتی از طریق مواردی مانند رعایت عدالت مالیاتی در میان مؤدیان، توانایی در پیگیری و ثبت مبادلات مشمول مالیات، انجام تشویقات و تنبیهات متناسب با عملکرد مؤدیان، جلوگیری از اعمال تخفیف‌ها و معافیت‌های غیرقانونی برای مؤدیان، کشف مبادلات و داده‌های غیرواقعی و تقلبی و موارد دیگر، می‌تواند به دریافت هرچه بهتر و دقیق‌تر مالیات بپردازد (۸، ۴). مدیران باشگاه‌های ورزش حرفه‌ای نیز می‌توانند از راه‌های مختلفی مانند مقابله با پدیده دلالی در نقل و انتقالات ورزشکاران، عدم پرداخت غیرنقدی به ورزشکاران (مانند اتومبیل و ملک) به‌عنوان بخشی از قرارداد، وجود شفافیت در اطلاعات مالی باشگاه‌ها (میزان قراردادهای و درآمدهای باشگاه‌ها)، آشنا ساختن ورزشکاران و مربیان از حقوق خود در مورد مسائل مالیاتی، پرداخت به‌موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران و مربیان و موارد دیگر به پرداخت هرچه دقیق‌تر مالیات توسط ورزشکاران و مربیان و به‌دنبال آن توسعه ورزش کشور کمک کنند (۷).

در حال حاضر، در زمینه فرار از پرداخت مالیات در داخل و خارج از کشور پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته، که این موضوع نشان‌دهنده اهمیت مالیات در کشورهای مختلف است (۱۳-۹)، اما تعداد تحقیقاتی که این موضوع را در زمینه ورزش بررسی کرده باشند، بسیار کم است. از نمونه پژوهش‌های انجام‌گرفته در این زمینه در داخل کشور می‌توان به مطالعه اعتمادی (۱۳۹۲) (۷) اشاره کرد که به بررسی فرار مالیاتی در میان ورزشکاران پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که نبود عدالت مالیاتی میان مؤدیان، وجود بوروکراسی اداری، وجود مدیران غیرمتخصص و سیاسی در باشگاه‌های ورزشی، دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزشی کشور، وجود نقش

دلالی در ورزش، وجود پرداخت‌های غیرنقدی به ورزشکاران، تأخیر در پرداخت مبلغ قرارداد ورزشکاران و ناآگاهی ورزشکاران از حقوق مالیاتی خود، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی است. نصر اصفهانی، نصر اصفهانی و دلوی اصفهانی (۱۳۹۱) (۸) نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی از دیدگاه مؤدیان و کارشناسان مالیاتی»، کاهش پیچیدگی‌های اداری برای پرداخت مالیات، اعطای جوایز تشویقی به مؤدیان خوش‌حساب، طراحی سیستم ارزیابی عملکرد کارشناسان مالیاتی براساس خدمات ارائه‌شده به مؤدیان، و آموزش و ارتقای سطح علمی کارشناسان مالیاتی را عوامل مهمی برای کاهش بروز پدیده فرار مالیاتی معرفی کردند. الماسی، مرجانی و قریشی (۱۳۹۱) (۶) نیز در تحقیق خود بیان کردند که عواملی مانند ناتوانی در برقراری عدالت مالیاتی، پیچیدگی فرایندهای اجرایی و فرم‌های مالیاتی، طولانی بودن فرایند رسیدگی به اختلافات مالیاتی، ناکافی بودن سیستم اطلاع‌رسانی و آموزش به مؤدیان، و ناتوانی سازمان امور مالیاتی در تشخیص مبادلات و داده‌های غیرواقعی و تقلبی، مهم‌ترین نقش را در فرار مالیاتی به‌عهده دارند.

از جمله تحقیقات خارجی انجام‌گرفته در این زمینه نیز می‌توان به تحقیق سایدو و داودا^۱ (۲۰۱۴) (۱۴) با عنوان «فرار مالیاتی و متهم ساختن نحوه مدیریت، در بخش غیررسمی نیجریه» اشاره کرد که، عدم رعایت عدالت مالیاتی در میان افراد صاحب قدرت و صاحب نفوذ و مؤدیان دیگر، و همچنین وجود مدیران غیرمتخصص و متخلف در سازمان‌ها عوامل مهمی از دیدگاه مؤدیان بر فرار مالیاتی است. در تحقیق دیگری نیز اکویگال ایبادین و اییا^۲ (۲۰۱۳) (۱۵) فرار مالیاتی در میان افراد خوداشتغال نیجریه را مطالعه کردند، که نتایج نشان داد

1. Saidu & Dauda
2. Okoeguale, Ibadin & Eiya

حرفه‌ای، و استادان مدیریت ورزشی و اقتصاد آگاه به حیطه پژوهش بود. با توجه به اینکه جامعه آماری را افراد حرفه‌ای و مدیران تشکیل می‌دادند و دسترسی به آنها مشکل بود، از روش نمونه‌گیری تمام‌شمار و در دسترس استفاده شد.

با توجه به نبود پرسشنامه‌های معتبر در زمینه فرار مالیاتی در ورزش، پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای شامل دو بخش، که بخش اول آن شامل تعدادی متغیر جمعیت‌شناختی (شامل جنسیت، سن، تحصیلات، رشته ورزشی، و سمت یا عنوان شغلی)، و بخش دوم آن شامل عوامل مدیریتی در ورزش و عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی مؤثر در بروز پدیده فرار مالیاتی با ۲۲ سؤال بود، استفاده شد. روش امتیازگذاری سؤالات براساس طیف ۵ ارزشی لیکرت (بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم) بود.

در این پژوهش به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات و تعیین عوامل مدیریتی مؤثر بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای، به مطالعه و جست‌وجو در منابع علمی از جمله مقالات، کتاب‌های معتبر، سایت‌های علمی و خبری معتبر و همچنین گفت‌وگو و مصاحبه با استادان برجسته مدیریت ورزشی و اقتصاد پرداخته شد. پس از جمع‌آوری عوامل مدیریتی مؤثر بر فرار مالیاتی، از طریق مشورت با استادان آگاه به حیطه پژوهش، عوامل به دو دسته شامل عوامل مدیریتی در ورزش و مدیریتی در سازمان امور مالیاتی طبقه‌بندی شد. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه توسط استادان متخصص تأیید شد. به این صورت که تعدادی پرسشنامه در اختیار پنج نفر از استادان مدیریت ورزشی و اقتصاد قرار گرفت تا از نظر رعایت دستور زبان، استفاده از کلمات مناسب، میزان سطح دشواری در درک مفاهیم، میزان تناسب و ارتباط گویه‌ها، میزان ابهام و برداشت‌های نادرست از آنها بررسی

پنجیدگی فرم‌های مالیاتی و تشریفات موجود در روند پرداخت مالیات تأثیرگذارترین عامل بر فرار مالیاتی است؛ همچنین ادیبسی و جی بیگی^۱ (۲۰۱۳) (۱۶) در پژوهشی با هدف تعیین دلایل فرار مالیاتی، عدم رعایت عدالت در میان مؤدیان را مهم‌ترین عامل فرار مالیاتی بیان کردند. معظم مقال و اکرم^۲ (۲۰۱۲) (۲) و اودیل، فاکبمی و آجنلی^۳ (۲۰۱۰) (۱۳)، نیز در تحقیقاتی، نبود تشویقات مالیاتی برای مؤدیان خوش‌حساب و تنبیه برای مؤدیان خاخی را به‌عنوان عوامل مهمی در فرار مالیاتی معرفی کردند.

با توجه به موارد ذکرشده و اهمیت نقش عوامل مدیریتی بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای، و همچنین تعداد بسیار کم تحقیقات در این زمینه و اهمیت مالیات پرداختی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای در پیشرفت کشور به‌خصوص در بخش ورزش و توسعه و گسترش امکانات و تسهیلات ورزشی، در این تحقیق سعی شده است که سهم نسبی عوامل مدیریتی بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای تعیین شود و امید است که نتایج این تحقیق بتواند مدیران و مسئولان را در امر مقابله با پدیده فرار مالیاتی در ورزش کمک و یاری دهد.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی - پیمایشی است. محدوده مطالعاتی پژوهش شهر اصفهان (شامل باشگاه‌های فولاد مبارکه سپاهان، ذوب‌آهن، فولاد ماهان و گیتی‌پسند، در رشته‌های مختلف ورزشی) بود. جامعه آماری تحقیق شامل ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای حاضر در لیگ برتر کشور در رشته‌های مختلف ورزشی، مدیران عامل و معاونان باشگاه‌های ورزش

1. Adebisi & Gbegi
2. Muazzam Mughal & Akram
3. Uadiale, Fagbemi & Ogunleye

پرسشنامه، و از بین ۱۲ پرسشنامه توزیع شده میان استادان آگاه به حیطه پژوهش در رشته‌های مدیریت ورزشی و اقتصاد که در دسترس بودند، ۶ پرسشنامه پر و به محققان بازگردانده شد. در مجموع اطلاعات مربوط به ۱۱۹ پرسشنامه مبنای پژوهش حاضر قرار گرفت. روش‌های آماری مورد استفاده در تحقیق، آزمون‌های رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام، t تک نمونه، و فریدمن بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss نسخه ۱۹ انجام گرفت. سطح معناداری در نظر گرفته شده در این پژوهش $P=0/05$ بود.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی گروه نمونه آماری را ارائه می‌دهد.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان براساس جنسیت، تحصیلات، شغل، سن و رشته ورزشی

ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد	ویژگی جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۱۱۱	زیر دیپلم و دیپلم	۲۱	۱۷/۶
	زن	۸	کاردانی	۲۱	۱۷/۶
رشته ورزشی	فوتبال	۳۵	کارشناسی	۵۷	۴۷/۹
	بسکتبال	۲۰	کارشناسی ارشد	۱۲	۱۰/۱
	سایر رشته‌ها	۶۴	دکتری	۸	۶/۷
شغل	ورزشکار	۹۸	۳۰ سال و کمتر	۹۹	۸۳/۲
	مدیرعامل یا معاون باشگاه ورزشی	۵	۳۱-۴۰ سال	۵	۴/۲
	مربی	۱۰	۴۱-۵۰ سال	۶	۵
	استاد دانشگاه	۶	بالتر از ۵۰ سال	۹	۷/۵

$Sig = 0/001$ است که نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی وجود دارد و عامل‌ها به درستی تفکیک شده‌اند. تحلیل عاملی با چرخش واریماکس در مجموع با حذف ۳ آیتم از عوامل مدیریتی در ورزش و ۲ آیتم از عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی، به تأیید دو عامل

و مشخص شود که تا چه اندازه ابزار طراحی شده می‌تواند همان موضوعی را اندازه‌گیری کند که برای آن طراحی شده است. روایی سازه آن نیز با روش تحلیل عاملی تأییدی تأیید شد. برای تعیین پایایی، پرسشنامه در یک گروه ۳۰ نفره شامل تعدادی از ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای و استادان مدیریت ورزشی و اقتصاد توزیع شد و ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۱ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب آن بود.

در این تحقیق از ۱۰ پرسشنامه توزیع شده میان مدیران عامل و معاونان باشگاه‌های ورزش حرفه‌ای، ۵ پرسشنامه جمع‌آوری و ۵ پرسشنامه نیز بازگردانده نشد. ۱۱۰ پرسشنامه نیز میان ورزشکاران حرفه‌ای در رشته‌های مختلف توزیع شد که پس از جمع‌آوری ۱۲ عدد از آنها به دلایل مختلف پذیرفته نشدند. همچنین از ۱۶ پرسشنامه توزیعی میان مربیان حرفه‌ای، تعداد ۱۰

جدول ۲ نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای تعیین روایی سازه و بار عاملی هر گویه را ارائه می‌دهد. براساس نتایج جدول ۲، آزمون KMO برابر با ۰/۷۷۷ است که نشان‌دهنده کفایت نمونه‌گیری است. به علاوه، سطح معناداری شاخص مجذور کای برای آزمون بارتلت

مدیریتی در ورزش با ۸ گویه و مدیریتی در سازمان امور مالیاتی با ۱۴ گویه منجر شد.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای گویه‌های فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای

وزن عاملی	گویه‌های عوامل مدیریتی در ورزش	وزن عاملی	گویه‌های عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی
۰/۵۳۲	دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزش حرفه‌ای فعال در کشور	۰/۵۲۳	ناتوانی در برقراری عدالت مالیاتی (تبعیض بین مؤدیان متشابه‌الوضع) از سوی سازمان امور مالیاتی
۰/۴۶۰	شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها (میزان قراردادها، درآمدهای باشگاه‌ها)	۰/۷۸۳	عملکرد خلاف قانون کارمندان بخش مالیاتی کشور
۰/۱۶۵۰	پرداخت نکردن به موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران و مربیان	۰/۷۸۰	کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش ناکافی مأموران مالیاتی و به روز نبودن اطلاعات آنها
۰/۱۶۲۰	وجود مدیران غیرمتخصص در رأس هرم مدیریتی باشگاه‌ها	۰/۶۱۷	ناتوانی در پیگیری ثبت مبادلات مشمول مالیات
۰/۵۸۲	وجود پدیده دلالتی در نقل و انتقالات ورزشکاران	۰/۵۷۱	پیچیدگی فرایندهای اجرایی و فرم‌های مالیاتی
۰/۵۱۷	بی‌اطلاعی مؤدیان (ورزشکاران و مربیان) از حقوق خود در مورد مسائل مالیاتی	۰/۶۴۷	تشریفات بیش از حد در انجام تکالیف قانونی توسط مؤدیان
۰/۴۴۴	وجود پرداخت‌های غیرنقدی به ورزشکاران (مانند اتومبیل، ملک) به عنوان بخشی از قرارداد	۰/۵۰۴	نبود تشویقات و جرائم، متناسب با عملکرد مؤدیان (ورزشکاران و مربیان)
۰/۵۱۰	نبود عدالت در سقف قرارداد در بین رشته‌های مختلف ورزشی	۰/۶۲۶	وجود اطلاعات اضافی در فرم‌های اظهارنامه مالیاتی
		۰/۴۲۳	اعمال تخفیف‌ها و معافیت‌های غیرقانونی برای مؤدیان از سوی کارگزاران مالیاتی
		۰/۳۵۷	طولانی بودن فرایند رسیدگی به تخلفات مالیاتی
		۰/۶۱۵	عدم نظارت بر پرداخت مالیات باشگاه‌ها، توسط نهادهای مالیاتی
		۰/۳۲۸	عدم اتکای سازمان امور مالیاتی به تحقیقات علمی در خصوص فرار مالیاتی
		۰/۵۴۰	ناتوانی سازمان امور مالیاتی در کشف مبادلات و داده‌های غیرواقعی و تقلبی
		۰/۳۹۵	ناکافی بودن سیستم اطلاع‌رسانی و آموزش به مؤدیان (عدم آشنایی و شناخت کافی مؤدیان نسبت به مفاهیم مالیات)
		۰/۷۷۷	Test KMO
		Chi-square = ۸۳۸/۰۳۷	Bartlett Test
		df = ۲۳۱	
		Sig = ۰/۰۰۱	

آن است. بر این اساس هر دو مؤلفه پیش‌بین، توان پیش‌بینی معناداری برای فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای دارند، و عوامل مدیریتی در ورزش با ضریب استاندارد بتا ۰/۵۹۱ مؤلفه قوی‌تری نسبت به عوامل

به‌منظور تعیین سهم نسبی هر یک از عوامل مدیریتی در ورزش، و مدیریتی در سازمان امور مالیاتی، بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای از روش رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام استفاده شد، که جدول ۳ بیانگر نتایج

مدیریتی در سازمان امور مالیاتی با ضریب استاندارد بتا حرفه‌ای است.
 ۰/۴۸۹، برای پیش‌بینی فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان

جدول ۳. ضرایب رگرسیون استاندارد و غیراستاندارد برای فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای

الگوی گام‌به‌گام	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب غیراستاندارد خطای معیار	ضرایب استاندارد	مقدار t	Sig
۱	ثابت	۶/۹۴۴	۱/۳۷۴	-	۵/۰۵۲
	عوامل مدیریتی در ورزش	۱/۵۹۲	۰/۰۵۳	۰/۹۴۰	۲۹/۷۶۲
۲	ثابت	۴/۸۸۱	۱/۲۹۰	-	۰/۰۰۰
	عوامل مدیریتی در ورزش	۱/۰۰۰	۰/۱۵۶	۰/۵۹۱	۱/۲۰۷
	عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی	۰/۵۰۰	۰/۲۸۹	۰/۴۸۹	۹/۹۸۹

براساس نتایج جدول ۳، معادله رگرسیون نهایی برای فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای به شرح زیر است:

$$\text{فرار مالیاتی} = \text{عوامل مدیریتی در ورزش (۰/۵۹۱)} + \text{عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی (۰/۴۸۹)}$$

۵، ۶، ۷ و ۸ دو شرط لازم یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط، و اختلاف معنادار ($P \leq ۰/۰۵$) نسبت به همین سطح را دارا هستند، اما گویه ۱، به دلیل اختلاف میانگین منفی و نداشتن اختلاف معنادار، از عوامل مدیریتی در ورزش حذف شده و در آزمون رتبه‌ای فریدمن در نظر گرفته نمی‌شود. همچنین با توجه به سطح معناداری به دست آمده در آزمون فریدمن، مشخص می‌شود که ۷ گویه تعریف شده تأثیر متفاوتی بر بروز پدیده فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای دارند، که در این میان گویه عدم پرداخت به موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران و مربیان، با میانگین رتبه ۴/۵۷، در رتبه اول و دارای بیشترین اهمیت است.

با توجه به فرمول رگرسیون به دست آمده، یک انحراف معیار تغییر در عوامل مدیریتی در ورزش و عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی، به ترتیب موجب ۰/۵۹۱ و ۰/۴۸۹ انحراف معیار تغییر در فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای می‌شود.

جداول ۴ و ۵ اطلاعات مربوط به اولویت‌بندی گویه‌های هر یک از عوامل مدیریتی در ورزش و عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی از نظر اهمیتشان بر بروز پدیده فرار مالیاتی در میان ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای را ارائه می‌دهند.

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که در میان گویه‌های مربوط به عوامل مدیریتی در ورزش، گویه‌های ۲، ۳، ۴،

جدول ۴. نتایج آزمون t تک نمونه براساس سطح متوسط و آزمون فریدمن برای گویه‌های عوامل مدیریتی در ورزش مؤثر بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای

ردیف	عوامل مدیریتی در ورزش	سطح متوسط		اختلاف میانگین	sig	میانگین رتبه	رتبه
		آزمون فریدمن	سطح متوسط				
۱	دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزش حرفه‌ای فعال در کشور	-	-	-۰/۰۴۲	۰/۶۳۱	-	-
۲	شفاف نبودن اطلاعات مالی باشگاه‌ها (میزان قراردادهای درآمدهای باشگاه‌ها)	۳	۴/۰۴	۰/۶۴۷	۰/۰۰۱	۴/۰۴	۳
۳	عدم پرداخت به‌موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران و مربیان	۱	۴/۵۷	۰/۸۸۲	۰/۰۰۱	۴/۵۷	۱
۴	وجود مدیران غیرمتخصص در رأس هرم مدیریتی باشگاه‌ها	۷	۳/۵۳	۰/۴۶۲	۰/۰۰۱	۳/۵۳	۷
۵	وجود پدیده دلالی در نقل و انتقالات ورزشکاران	۶	۳/۷۷	۰/۵۲۱	۰/۰۰۱	۳/۷۷	۶
۶	بی‌اطلاعی مؤدیان از حقوق خود در مورد مسائل مالیاتی	۲	۴/۲۶	۰/۷۸۲	۰/۰۰۱	۴/۲۶	۲
۷	وجود پرداخت‌های غیرنقدی به ورزشکاران (مانند اتومبیل، ملک) به‌عنوان بخشی از قرارداد	۴	۳/۹۸	۰/۶۱۳	۰/۰۰۱	۳/۹۸	۴
۸	بی‌عدالتی در سقف قرارداد در بین رشته‌های مختلف ورزشی	۵	۳/۸۵	۰/۵۹۷	۰/۰۰۱	۳/۸۵	۵

سطح معناداری آزمون فریدمن ۰/۰۰۱

رتبه‌ای فریدمن در نظر گرفته نمی‌شوند. همچنین با توجه به سطح معناداری به‌دست‌آمده در آزمون فریدمن، مشخص می‌شود که ۱۰ گویه تعریف‌شده تأثیر متفاوتی بر بروز پدیده فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای دارند، که در این میان گویه ناتوانی در برقراری عدالت مالیاتی (تبعیض بین مؤدیان متشابه‌الوضع) از سوی سازمان امور مالیاتی، با میانگین رتبه ۶/۳۶، در رتبه اول و دارای بیشترین اهمیت است.

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که در میان گویه‌های مربوط به عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی، گویه‌های ۱، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، و ۱۴ دو شرط لازم یعنی اختلاف میانگین مثبت نسبت به سطح متوسط، و اختلاف معنادار ($P \leq 0/05$) نسبت به همین سطح را دارا هستند، اما گویه‌های ۲، ۳، ۸، و ۹ به دلیل اختلاف میانگین منفی یا نداشتن اختلاف معنادار، از عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی حذف شده و در آزمون

جدول ۵. نتایج آزمون t تک نمونه براساس سطح متوسط و آزمون فریدمن برای گویه‌های عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی مؤثر بر فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای

ردیف	عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی	اختلاف میانگین	sig	آزمون فریدمن	
				میانگین رتبه	رتبه
۱	ناتوانی در برقراری عدالت مالیاتی (تبعیض بین مؤدیان متشابه‌الوضع) از سوی سازمان امور مالیاتی	۰/۹۵۰	۰/۰۰۱	۶/۳۶	۱
۲	عملکرد خلاف قانون کارمندان بخش مالیاتی کشور	-۰/۱۶۸	۰/۰۸۹	-	-
۳	کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش ناکافی مأموران مالیاتی و به‌روز نبودن اطلاعات آنها	۰/۱۰۱	۰/۲۸۳	-	-
۴	ناتوانی در پیگیری ثبت مبادلات مشمول مالیات	۰/۴۷۹	۰/۰۰۱	۵/۴۰	۶
۵	پیچیدگی فرایندهای اجرایی و فرم‌های مالیاتی	۰/۶۳۹	۰/۰۰۱	۵/۵۳	۴
۶	تشریفات بیش‌ازحد در انجام تکالیف قانونی توسط مؤدیان	۰/۴۵۴	۰/۰۰۱	۵/۳۲	۷
۷	نبود تشویقات و جرائم، متناسب با عملکرد مؤدیان (ورزشکاران و مربیان)	۰/۴۷۹	۰/۰۰۱	۵/۳۱	۸
۸	وجود اطلاعات اضافی در فرم‌های اظهارنامه مالیاتی	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	-	-
۹	اعمال تخفیف‌ها و معافیت‌های غیرقانونی برای مؤدیان از سوی کارگزاران مالیاتی	-۰/۰۱۷	۰/۸۵۹	-	-
۱۰	طولانی بودن فرایند رسیدگی به تخلفات مالیاتی	۰/۶۴۷	۰/۰۰۱	۵/۸۲	۲
۱۱	عدم نظارت بر پرداخت مالیات باشگاه‌ها، توسط نهادهای مالیاتی	۰/۶۰۵	۰/۰۰۱	۵/۷۴	۳
۱۲	عدم اتکای سازمان امور مالیاتی به تحقیقات علمی در خصوص فرار مالیاتی	۰/۲۵۲	۰/۰۰۱	۵/۴۸	۵
۱۳	ناتوانی سازمان امور مالیاتی در کشف داده‌های غیرواقعی و تقلبی	۰/۳۷۰	۰/۰۰۱	۵/۰۲	۹
۱۴	ناکافی بودن سیستم اطلاع‌رسانی و آموزش به مؤدیان (عدم آشنایی و شناخت کافی مؤدیان در زمینه مفاهیم مالیات)	۰/۲۶۱	۰/۰۰۱	۵/۰۱	۱۰

سطح معناداری آزمون فریدمن ۰/۰۰۵

بحث و نتیجه‌گیری

پدیده فرار مالیاتی آثار سویی بر اقتصاد کشورها می‌گذارد و درآمد آنها را کاهش می‌دهد و در نتیجه دولت‌ها را در تخصیص سرمایه‌گذاری‌های لازم با مشکل مواجه می‌سازد. فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای نیز مانعی برای دستیابی به اهداف دولت به‌خصوص در بخش ورزش است و در نتیجه کاهش توسعه و گسترش امکانات و تسهیلات ورزشی را در پی خواهد داشت (۷)،

اما به‌منظور توسعه روش‌ها و ابزارهای مقابله با فرار مالیاتی در میان ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای، ابتدا باید درک روشنی از دلایل متفاوت بروز آنها داشت. دلایل بسیاری در این زمینه عنوان می‌شود که در این پژوهش به برخی از مهم‌ترین آنها در بخش مدیریتی اشاره شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در میان عوامل مدیریتی در ورزش، عدم پرداخت به‌موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران و مربیان، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر فرار

مالیاتی آنهاست، چراکه ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای باید براساس مبلغ قراردادشان مالیات بپردازند نه مبلغ دریافتی‌شان از باشگاه؛ درحالی‌که در بسیاری از موارد مدت زمان زیادی بین عقد قرارداد باشگاه با بازیکنان یا مربیان و پرداخت کامل این مبلغ است، و بازیکنان و مربیان معتقدند که چرا باید مالیات پول‌هایی را بپردازند که هنوز دریافت نکرده‌اند و در نتیجه زمینه‌ای برای فرار مالیاتی آنها فراهم می‌شود؛ که در این زمینه مدیران و مسئولان در بخش ورزش حرفه‌ای کشور می‌توانند با بررسی این موضوع و پرداخت به‌موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران و مربیان به بهبود وضع مالیات و پرداخت هرچه دقیق‌تر آن در بخش ورزش کمک شایانی کنند. همچنین بی‌اطلاعی ورزشکاران و مربیان از حقوق خود در مورد مسائل مالیاتی، نبود شفافیت در اطلاعات مالی باشگاه‌ها (میزان قراردادها و درآمدهای باشگاه‌ها)، وجود پرداخت‌های غیرنقدی به ورزشکاران مانند اتومبیل و ملک به‌عنوان بخشی از قرارداد، نبود عدالت در سقف قرارداد در بین رشته‌های مختلف ورزشی، وجود پدیده دلالی در نقل و انتقالات ورزشکاران، و وجود مدیران غیرمتخصص در رأس هرم مدیریتی باشگاه‌ها به‌ترتیب در جایگاه‌های بعدی دلایل فرار مالیاتی در میان عوامل مدیریتی در ورزش است. معمولاً باشگاه‌های ورزش حرفه‌ای به‌هنگام بستن قرارداد با ورزشکاران و مربیان، یک قرارداد داخلی بین خود تنظیم می‌کنند که قیمت دقیق بازیکنان و مربیان و پولی که آنها دریافت می‌کنند، براساس همین قراردادهای داخلی است، اما وقتی کار به ثبت قانونی قرارداد در هیأت‌ها و فدراسیون‌های ورزشی می‌رسد تا جایی که امکان دارد رقم ثبت‌شده را پایین می‌آورند، زیرا قراردادهای ثبت‌شده در هیأت‌ها و فدراسیون‌ها ملاک تعیین مقدار مالیات برای ورزشکاران، مربیان و باشگاه‌هاست؛ و از این طریق از پرداخت مالیات حقه خود

شانه خالی می‌کنند و در نتیجه فرار مالیاتی اتفاق می‌افتد. در برخی موارد نیز ممکن است نحوه پرداخت بخشی از مبلغ قراردادها توسط باشگاه‌ها به بازیکنان و مربیان، خلاف ضوابط مالی تعیین‌شده باشد، به‌نحوی که باشگاه‌ها بخشی از مبلغ قرارداد را به‌صورت ملک یا زمین یا موارد دیگر به ورزشکاران و مربیان پرداخت می‌کنند. همچنین در بسیاری از رشته‌های ورزشی، بازیکنان و مربیان معتقدند که مبلغ قراردادهای آنها در مقایسه با برخی رشته‌های ورزشی دیگر همچون فوتبال بسیار کم است و در نتیجه پرداخت مالیات را برای خود ناحق تلقی کرده و سعی می‌کنند با استفاده از روش‌های مختلفی از پرداخت آن فرار کنند. نتایج تحقیق سلطان حسینی، سلیمی و اعتمادی (۱۳۹۴) (۷) و سایدو و داودا (۲۰۱۴) (۱۴) نیز برخی موارد ذکرشده را از مهم‌ترین عوامل فرار مالیاتی معرفی می‌کنند و از این نظر نتایج پژوهش حاضر با نتایج تحقیق آنها همسوست. همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پاسخگویان گویه دولتی بودن بیشتر باشگاه‌های ورزش حرفه‌ای فعال در کشور را عامل مهمی در فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان ندانسته و آن را تأیید نکرده‌اند.

در میان گویه‌های مربوط به عوامل مدیریتی در سازمان امور مالیاتی، ناتوانی در برقراری عدالت مالیاتی میان مؤدیان متشابه‌الوضع، طولانی بودن فرایند رسیدگی به تخلفات مالیاتی، و عدم نظارت بر پرداخت مالیات باشگاه‌ها توسط نهادهای مالیاتی، به‌ترتیب رتبه‌های اول تا سوم میزان اهمیت در فرار مالیاتی را به خود اختصاص می‌دهند. در زمینه عدم برقراری عدالت مالیاتی، بسیاری از ورزشکاران و مربیان بر این باورند که سازمان امور مالیاتی نسبت به دریافت مالیات از دیگر بازیکنان و مربیانی که وضعیت نسبتاً مشابهی با آنها دارند به طریق دیگری عمل کرده و مالیات کمتری از آنها دریافت می‌کند

مأموران مالیاتی و به‌روز نبودن اطلاعات آنها، وجود اطلاعات اضافی در فرم‌های اظهارنامه مالیاتی، و اعمال تخفیف‌ها و معافیت‌های غیرقانونی برای مؤدیان از سوی کارگزاران مالیاتی، به‌عنوان عوامل مهمی در بروز پدیده فرار مالیاتی ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای تأیید نشدند، درحالی‌که نصر اصفهانی، نصر اصفهانی و دلوی اصفهانی (۱۳۹۱) (۸)، در تحقیق خود آموزش و ارتقای سطح علمی کارشناسان مالیاتی و به‌روز کردن سطح اطلاعات آنها را عوامل مهمی برای کاهش پدیده فرار مالیاتی معرفی کردند و در این زمینه نتایج پژوهش حاضر با تحقیق آنها همسو نیست، چراکه این‌گونه از دیدگاه پاسخگویان در تحقیق حاضر عامل مهمی برای کاهش فرار مالیاتی نبود.

با توجه به مطالب بیان‌شده و یافته‌های مطالعه حاضر، پیشنهادهایی به‌منظور مقابله با فرار مالیاتی در میان ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای ارائه می‌شود:

۱. کاهش زمان رسیدگی به تخلفات مالیاتی و اجرایی کردن جرائم مالیاتی و مجازات‌های در نظر گرفته‌شده برای متخلفان و همچنین استفاده از روش‌های تشویقی به‌منظور افزایش انگیزه تمکین مالیاتی در میان ورزشکاران و مربیان، و معرفی مؤدیان نمونه؛

۲. افزایش نظارت سازمان امور مالیاتی بر پرداخت مالیات ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای؛

۳. پرداخت به‌موقع مبلغ قرارداد ورزشکاران و مربیان از سوی باشگاه، یا دریافت مالیات براساس میزان مبلغ دریافت‌شده از سوی آنها، با توجه به اینکه معمولاً زمان زیادی بین عقد قرارداد و دریافت مبلغ موردنظر وجود دارد؛

۴. برقراری عدالت مالیاتی میان ورزشکاران و مربیان متشابه‌الوضع از سوی سازمان امور مالیاتی، بدون در نظر گرفتن پست و جایگاه افراد؛ به‌نحوی که

یا اینکه برای آنها معافیت‌های مالیاتی در نظر می‌گیرد که این عامل را دلیل مهمی بر فرار مالیاتی خود معرفی می‌کنند. همچنین از نظر بسیاری از پاسخگویان طولانی بودن فرایند رسیدگی به تخلفات مالیاتی عامل بسیار مهمی در تشویق ورزشکاران و مربیان به فرار مالیاتی است که در موارد بسیاری نیز واسطه شدن افراد مهم برای عدم پیگیری این تخلفات بسیار تأثیرگذار بوده و زمینه بیشتری برای فرار مالیاتی آنها فراهم می‌سازد. همچنین نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نظارت خیلی دقیق و منظمی بر پرداخت مالیات از سوی باشگاه‌های ورزشی، ورزشکاران و مربیان وجود ندارد و همین زمینه‌ای برای فرار مالیات بیشتر، محسوب می‌شود.

پیچیدگی فرایندهای اجرایی و فرم‌های مالیاتی، عدم اتکای سازمان امور مالیاتی به تحقیقات علمی در خصوص فرار مالیاتی، ناتوانی در پیگیری ثبت مبادلات مشمول مالیات، تشریفات بیش‌ازحد در انجام تکالیف قانونی توسط مؤدیان، نبود تشویقات و جرائم متناسب با عملکرد مؤدیان (ورزشکاران و مربیان)، ناتوانی سازمان امور مالیاتی در کشف مبادلات و داده‌های غیرواقعی و تقلبی، و ناکافی بودن سیستم اطلاع‌رسانی و آموزش به مؤدیان، نیز به‌عنوان دیگر عوامل مدیریتی مؤثر در سازمان امور مالیاتی بر بروز پدیده فرار مالیاتی از سوی پاسخگویان هستند. سایدو و داودا (۲۰۱۴) (۱۴)، ادبسی و جی بیگی (۲۰۱۳) (۱۶)، الماسی، مرجانی و قریشی (۱۳۹۱) (۶)، سلطان حسینی، سلیمی و اعتمادی (۱۳۹۴) (۷)، اکویگال ایبادین و اییا (۲۰۱۳) (۱۵)، اودیل، فاگبمی و آجنلی (۲۰۱۰) (۱۳)، و معظم مقال و اکرم (۲۰۱۲) (۲) نیز در تحقیقات خود به این نتایج دست یافتند، بنابراین نتایج پژوهش حاضر با نتایج این تحقیقات همسوست. ولی گویه‌های عملکرد خلاف قانون کارمندان بخش مالیاتی کشور، کمبود نیروی انسانی متخصص و آموزش ناکافی

ورزشکاران و مربیان به این باور برسند که همه افراد جامعه به‌خصوص افراد مشابه با موقعیت خودشان در پرداخت هزینه‌های عمومی سهیم‌اند؛ عوامل مؤثر بر آن، به‌منظور مقابله با آنها.

۵. استفاده سازمان امور مالیاتی از تحقیقات انجام‌گرفته در خصوص فرار مالیاتی و شناخت هرچه بهتر

منابع و مآخذ

1. Zehi N, Mohammadkhanli S, A Study on Factors Affecting Tax Evasion (A Case Study of East Azerbaijan Province), (In Persian), Journal of Tax Research, 2011, 18(9), pp: 26-29.
2. Muazzam Mughal M, Akram M, Reasons of Tax Avoidance and Tax Evasion: Reflections from Pakistan, Journal of Economics and Behavioral Studies, 2012, 4(4), pp: 217-222.
3. International Bureau of Fiscal Documentation, International Tax Glossary (4th ed), Amsterdam, Netherlands: IBFD Publications, 2001, pp: 65-68.
4. Samadi A, Tabande R, Tax Evasion in Iran: its Causes, Effects and Estimation, (In Persian), Journal of Tax Research, 2013; 21(19), pp: 77-106.
5. Mousavi Jahromi Y, Tahmasebi Boldaji F, Khaki N, Tax evasion in the VAT system: A theoretical model, (In Persian), Journal of Tax Research. 2009; 17(5), pp: 27-38.
6. Almasi H, Marjani A B, Ghoreishi R, The Organizational Factors Affecting VAT Evasion (Case Study of Tehran City VAT Directorate), (In Persian), Journal of Tax Research, 2012; 20(15), pp: 37-50.
7. Soltan Hosseini M, Salimi M, Etemadi M, The Evaluation of Factors Influencing Tax Evasion in Professional Athletes and Coaches, (In Persian), Journal of Sport Management, 2015, 7(3), pp: 437-456.
8. Nasr Isfahani M, Nasr Isfahani M, Dalvi Isfahan, M R, The Study of Different Factors Effectiveness Rate on The Tax Evasion from the Taxpayers and Tax Experts Perspective, (In Persian), Journal Management System, 2013, 1(1), pp: 28-36.
9. Andreoni J, Erard B, Feinstein J, Tax Compliance, Journal of Economic Literature, 1998, 36, pp: 818-860.
10. Richardson G, Determinants of Tax Evasion: A Crosscountry Investigation, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 2006, 15, pp: 150-169.
11. Richardson G, The Relationship between Culture and Tax Evasion across Countries: Additional Evidence and Extensions, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 2008, 17, pp: 67-78.
12. Tsakumis G T, Curatola A P, Porcano T M, The Relation between National Cultural Dimensions and Tax Evasion, Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, 2007, 16, pp: 131-147.
13. Uadiale O M, Fagbemi T O, Ogunleye J O, An Empirical Study of the Relationship between Culture and Personal Income Tax Evasion in Nigeria, European Journal of Economics, 2010, 20(3), pp: 12-117.
14. Saidu S, Dauda U, Tax Evasion and Governance Challenges in the Nigerian Informal Sector, Journal of Finance and Economics, 2014, 2(5), pp: 156-161.

15. Okoeguale Ibadin P, Eiya O, Tax Evasion and Avoidance Behaviour of the Self-Employed Nigerians, *European Journal of Business and Management*, 2013, 5(6), pp: 1-14.
16. Adebisi J F, Gbegi D O, Effect of Tax Avoidance and Tax Evasion on Personal Income Tax Administration in Nigeria, *American Journal of Humanities and Social Sciences*, 2013, 1(3), pp: 125-134.

Archive of SID